

آیین نگارش فارسی از آغاز تا مشروطیت

زروان لرستانی

مناظر الانشاء، خواجه عماد الدین محمود گاوآن؛ تصحیح: دکتر معصومه معدن کن. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۱، ۳۰۷ ص.

زبان فارسی از زبان‌های دیر سال پشوانه دار استوار جهان است که کهن‌ترین نمونه متن موجود آن نزدیک به هزار و صد و پنجاه سال سابقه دارد، اما نکته جالب‌تر از این دیرینه کهن این است که - برخلاف امروز - از همان آغاز دارای قواعد و حدود و رسومی بوده است که منشیان یا دبیران و کسان دیگری که با قلم و نگارش و حتی وعظ و خطابه سر و کار داشتند آنها را محترم می‌شمردند و به کار می‌بستند و چنان که در زمینه زبان عربی و صرف و نحو آن رسم بود، رساله‌ها و کتاب‌هایی در تبیین آن قواعد و حدود و رسوم می‌پرداختند و در واقع با اصول و آیین آن در مقام یک علم مستقل برخورد می‌کردند که بعداً نام «علم انشاء» به خود گرفت.

یکی از کتاب‌های بسیار جدی و مفیدی که در این رشته تألیف شده است، مناظر الانشاء نام دارد که در یک «مقدمه»، دو «مقاله» و یک «خاتمه» نگارش یافته است. مقدمه در هشت «فصل» تنظیم شده است که در ضمن آنها مسائلی همچون ماهیت و

موضوع و غایت علم انشاء، مفهوم کلام و انواع آن، بلاغت و فصاحت، حقیقت و مجاز، تشبیه و ارکان آن، استعاره و اقسام آن، کنایه، تعریض و تلویح و رمز و ایما و اشاره مطرح و تعریف و تبیین شده‌اند.

مقاله اول در تقسیم کلام بر حسب قول اهل انشاء و شرایط کلاس که در انشاء به کار می‌رود، متشکل از چهار «منظر» است: تقسیم کلام، شرایط کلمه رایج در زبان اهل انشاء، شرایط کلام منشور و منظوم مطلوب اهل فضل، تبیین ماهیت منشی یا نگارنده و اقسام منشی و شرایط دبیری.

مقاله دوم در بیان اقسام و ارکان و شرایط آن چه مردم به همدیگر می‌نویسند که متشکل از پنج «منظر» است: بیان اقسام و ارکان و شرایط آن چه مردم می‌نویسند؛ بیان ارکان هر یک از اینها؛ بیان شرایط نگارش منشور و فرمان و فتحنامه و نامه‌های تهنیت و تعزیت و مثال و عریضه و رقعہ؛ تعریف شرایط مکتوب؛ بیان قواعد حذف و تقدیم و تأخیر ارکان مکتوب.

«خاتمه» در ماهیت خط و ضوابط آن مشتمل بر هفت «قاعده» است: اصل بودن وقف در کتابت؛ چگونگی نگارش همزه؛ بیان پیوسته یا جدا نوشتن کلمات؛ تکلیف حروف زاید؛ چگونگی کاستن حروف (تخفیف) در کلمات؛ قواعد ابدال، قواعد شناسایی حروف (معتل) در کلمات.

تقسیم بندی مطالب کتاب در نهایت دقت صورت گرفته است، چنان که در بطن هر فصل و منظر و قاعده هم تقسیم بندهای جزئی تر به چشم می‌خورد چندان که می‌توان یک نمودار کامل از محتوای کتاب تدوین کرد، کاری که درباره بسیاری دیگر از کتاب‌ها به خصوص تألیف‌های امروزی ناممکن است. در هر مورد نخست تعریف کلمه و اصطلاح، غالباً به عربی همراه با ترجمه فارسی به دست داده شده و پس از آن مثال‌های مختلف از نظم و نثر عربی و فارسی ذکر شده است، و در هر مورد وجوه و دلایل حسن یا قبح فلان و بهمان استعمال به دقت تبیین شده است. اهمیت کار مؤلف و ارزش این تعریف‌های و تبیین‌ها در این است که مؤلف اولاً به علم منطق احاطه کامل داشته است و ثانیاً کتاب خود را در نهایت حوصله به منظور استفاده «طلاب» فراهم آورده است. برای نشان دادن احاطه کامل مؤلف بر موضوع تألیف ذکر یک نمونه مناسب می‌نماید.

مؤلف در مقاله دوم که به معرفی انواع مکتوبات و مراسلات (به استثنای رساله و

کتاب) اختصاص دارد از منشور، فرمان، فتحنامه، نامهٔ تهنیت، نامهٔ تعزیت (تسلیت)، دستور، عریضه، رقعہ و مانند اینها نام برده است و هر قسم را متشکل از چند یا چندین رکن دانسته است که فراهم آمدن آنها در مکتوب مستلزم رعایت «شرایط» هر قسم است. مثلاً تهنیت نامه «مشمول بر دوازده رکن است: شرایط، ثنای مُرسَلِ إلیه، اسم مرسل إلیه، دعای او، ذکر کاتب، ابلاغ سلام، مقدمهٔ تهنیت، اظهار مسرت نسبت به آن چه تهنیت کند مثل فرزند یا منصب، حمد و شکر الهی، رجای بقا، دعای آن چه تهنیت کند، دعای مرسل إلیه...» (ص ۱۹۹ و ۲۰۰). و «تهنیت نامه را سه شرط است: شریطه متضمن بر براءت استهلال، عبارت اظهار مسرت مناسب رتبهٔ مخاطب باشد، رعایت رتبهٔ نگارنده و مخاطب» (ص ۲۲۰).

این کتاب را خواجهٔ عمادالدین محمود گاوآن ملقب به صدر جهان (۸۰۸ - ۸۸۶ ق) در اواخر عمر در پای تخت شاهان بهمنی دکن تألیف کرده است. او که از سال ۸۵۱ ق تا آخر عمر همواره امیر و وزیر بوده است در عین حال از تألیف غفلت نداشته است، چنان که چند اثر مهم دیگر در همین زمینه علم انشاء از او باقی است معروفترین آنها منشآت، ریاض الانشاء، قواعد الانشاء نام دارند و از آنها نسخه‌های خطی متعدد در گوشه و کنار عالم یافت می‌شود چنان که مصحح کتاب حاضر هفده نسخه از آن را در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی مختلف شناسایی و معرفی کرده است.

مصحح، در مقدمهٔ خود بر کتاب به معرفی نویسنده، گزارش احوال، سوانح زندگی، معرفی نسخه‌های موجود، روش کار تصحیح پرداخته است و در پایان کتاب چندین فهرست (اعلام، کتب، نامجای‌ها، ابیات فارسی، ابیات عربی، مصراع‌های فارسی و عربی، اشعار فارسی و عربی، حکم و امثال عربی، آیات، احادیث) و نیز فصلی در باب حواشی و فصلی دیگر در نقل «حکایت‌های مندرج در کتاب» و بالأخره «یادآوری‌های شادروان استاد قاضی طباطبایی» را در تبیین برخی از اسامی و کلمات و توضیح عبارات و معرفی مؤلفان آنها... افزوده است. در نتیجه کتابی جامع و مفید فراهم آمده و یک متن کهن از میراث مکتوب ادب فارسی در دسترس اهل کتاب قرار گرفته است. آنچه در این جا در خور یادآوری است صداقتِ مُصحح در ارائهٔ این کار است. به این معنی که در ضمن تصحیح و در کار قرائت متن بخصوص اصطلاحات و عبارات عربی از محضر چند تن از اساتید بهره برده است که با نهایت احترام از آنان یاد کرده است، مخصوصاً از جناب حاج مصطفی شاعر، عربی‌دان و مفسرِ عالمِ قرآن که در

خطه تبریز به حق از وی با لقب «استاد» یاد می‌شود. این صداقت و حق‌شناسی که متأسفانه امروزه حکم کیمیا را پیدا کرده است، می‌تواند سر مشق مخصوصاً ما نوقلمان باشد، چه که پیران اهل انتحال را کار از این آموزش‌ها گذشته است.

نکته دیگر این است که سبک نگارش کتاب متکلف و ثقیل می‌نماید، بویژه که درست در عصری نوشته شده است که اولاً وارث تألیفاتی امثال گلستان و تاریخ جوینی بوده است و ثانیاً دقیقاً همزمان با آثاری همچون نفحات الانس و بهارستان جامی نگارش یافته است. لذا به نظر می‌رسد که مؤلف در انتخاب این شیوه تعدد داشته است و می‌خواسته است که از همین طریق هم به خواننده آموزش بدهد، هر چند که این شیوه اسباب زحمت مدعیان امروزی فارسی‌دانی و زبان‌شناسی می‌شود.

و اما ذکر چند نکته در زمینه شیوه ویرایش و چاپ کتاب ضروری می‌نماید. نخست افراط همراه با اشتباه در به‌کارگیری علائم نقطه‌گذاری مخصوصاً «ویرگول» است، مثلاً در عبارات زیر: «صاحب کتاب... از دلایل ترجیح منشی بر شاعر یکی این گفته که، منشی حقیقی...» (ص ۳۵)؛ «صد بیت از دیوان کُسمیت، در بهای یک من زیت...» (ص ۳۶)؛ «و سبب آن اعتقاد، یا زیادت علم...» (ص ۴۲)؛ «یکی آن که، اصلاً جزء ندارد...» (ص ۴۷).

دوم استفاده غیر ضروری و مفرط از حروف خوابیده یا به اصطلاح «ایرانیک» که در خط فارسی، مخصوصاً در عبارات و اقوال طولانی هنوز جا نیفتاده است، و در این موارد معمولاً از قلم سیاه با یکی دو شماره کمتر از اندازه حروف متن استفاده می‌شود. سوم ضرورت اعراب‌گذاری برخی از عبارات‌ها که موجب سهولت قرائت و سرعت فهم می‌شود.

چهارم وجود پاره‌ای اشتباهات چاپی مثل موارد زیر: ممالک مسالک (ص ۳۸) به جای: ممالک و مسالک، مُسَبَّب (ص ۴۱) به جای: مُسَبَّب، تفضیل (ص ۴۹) که درست آن تفصیل است، عبادت (ص ۵۴) در جای: عبارت، نکارد (ص ۱۰۹) در جای نگارد، می‌پرسید (ص ۱۲۶، سطر ۵) که درست آن «می‌پرسد» است، بنایِ علیه (ص ۱۳۲) که درست آن اصطلاح رایج «بناءً علیه» است، مخزون (ص ۱۸۰) در جای مخزون،... که البته در چنین کتابی با این همه عبارات و کلمات عربی و انواع اعراب‌ها اصلاً نباید عیب یا نقص به حساب آیند.

پنجم این که به گمان ما در دو سه مورد فعل «دانسته» جای خود را به «داشته» داده

است، مثلاً در این عبارت: «قسمین جمع نمی‌شوند و متقدمان قسم داشته‌اند چنان که درمقامه اولی گفته شده است» (ص ۱۱۲)، یا در این جمله: «شرط تاسع آن است که [منشی] علم لغت عرب و عجم و علم صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع داشته باشد تا...» (ص ۱۸۳ و ۱۸۴)... که در این موارد «دانسته» درست‌تر می‌نماید. آخرین نکته‌ای که باید ذکر شود این است که این کتاب جامع همه آداب و اصول و قواعدی است که در نگارش متون فارسی کمابیش از ابتدا تا دوره مشروطه رواج داشته‌اند و معمولاً رعایت می‌شده‌اند. از مشروطه به بعد زبان فارسی و آیین نگارش آن هم مثل بسیار چیزهای دیگر دگرگون شد و ادامه یافت...

